

بُکسر ۴۵۶

X (توییتر)

باورم نمی شه!



Boxer456 @Boxer456353040 · 16 mai

...

باورم نمی شه! محمود مسعودی نویسنده رمان "سوره الغراب" حال رمان کلاسیک "گارگانتوا و پانتا گروئل" را ترجمه کرده اند و قابل داندود است. دوستانی که هلاک بیژن الهی و هاشمی نژاد هستند، جناب مسعودی حی و حاضر! باز هم منوچهر بدیعی آنقدر طول داد که ترجمه دیگری آمد! خوراک قطار امروزم درآمد!



Mahmood Massoodi @MahmoodMassoodi · 16 mai

فرانسوا رابله (ژمان نوییس فرانسوی ژنسانس)، گارگانتوا (گارگانتوا آیر تهمتن)، نسخه یی سال 1535 با ناهمسانی های چاپ های سال های 1534 و 1542، ترجمه یی محمود مسعودی، از فرانسه ی میانه، با یادداشت های مترجم: mahmoodmassoodi.fr



Boxer456 @Boxer456353040 · 16 mai

...

تا زمانی که هوا اینه، کاپولا فیلم میسازه، و ترجمه شعف انگیز "گارگانتوا" رو داندود میکنی و میخونی، زندگی زیباییه اش رو هم داره. فقط مونده سه شنبه ورزشگاه وطنی قائمشهر.



Boxer456 @Boxer456353040 · 19 mai

...

حین مطالعه "گارگانتوا" ترجمه محمود مسعودی و حیرت از اینهمه کلمه باز بودن ایشان، به نظرم میرسد که اگر بختی برای ترجمه نیکوی Finnegans Wake واپسین رمان جیمز جویس به فارسی باشد، فقط ایشانند. متوجهم که ایشان مترجم زبان فرانسه اند، اما در هر حال این کار دست خودشان را میبوسد.



Boxer456 @Boxer456353040 · 22 mai

...

نکته ای که در ترجمه استادانه محمود مسعودی از گارگانتوا و پیشتر در ترجمه اکرم پدram نیا از اولیس به ذهن میرسد، در باب ترجمه امثال و حکم و نقل قولهایی ست که درمیانه متن اصلی به زبان لاتین آمده. در این دو ترجمه، اینگونه عبارات لاتین عینا به فارسی آوانگاری شده اند.

3/1



Boxer456 @Boxer456353040 · 22 mai

...

مثلا caritas omnia credit که خود ترجمه عبارتی یونانی در رساله ای از پولس است، در ترجمه فارسی گارگانتوا (ص 133) عینا "کاریتاس امنیا کردیت" برگردانده شده و معنای فارسی در پی نوشتها آمده. خب خواننده متن اصلی ممکن است لاتین بداند و معنای عبارات را دریابد، ولی آوانگاری فارسی هیچ

3/2



Boxer456 @Boxer456353040 · 22 mai

...

معنایی را به ذهن خواننده فارسی نمی آورد. به نظرم زبان لاتین برای خواننده غربی جایگاه زبان عربی برای خواننده فارسی را دارد. در این موارد میتوان معادل عربی آورد. مثلا در ازای عبارت فوق میتوان به ترجمه های عربی عهدین رجوع کرد و چنین آورد: الْمَحْتَجَّةُ تُصَدِّقُ كُلَّ شَيْءٍ.

3/3



Boxer456 @Boxer456353040 · 27 mai

...

در ترجمه استاد محمود مسعودی از گارگانتوا ص 218-9 آمده:

"سپس او را د مڈیس سینیفیکاندی خوانانید... و او آن را چندان خوب دانستی که به گاه آزمون همه وارون از بر خواندی، و به مادر خود سرانگشتی باز نمودی که د مڈیس سینیفیکاندی نن ارات شنسیلا"

👉 به گمانم این عبارات لاتین را میشد



Boxer456 @Boxer456353040 · 27 mai

...

به عربی برگردان کرد. "د مڈیس سینیفیکاندی" را به "طرق الدلالة" و دومی را به "طرق الدلالة لیست فی الدفتر" (به سیاق مصراع "که علم عشق در دفتر نباشد" حافظ).



Boxer456 @Boxer456353040 · 30 mai

اما رفتار گارگانتوا همه این بود که اشک ریختن گرفت همچو گاو و روی به کلاه خویش
بیوشانید و نشد که از وی سخنی بیرون کشیده آید، چنان که نشود برکشید گوزی از خری
مرده.

گارگانتوا، رابله، ترجمه محمود مسعودی، ص 228



Boxer456 @Boxer456353040 · 30 mai

در صفحات 258-9 گارگانتوا آمده:

آخ، خداوندا به خدا نکوست جفت لنگه های یکی شلوار؛ ات ویر ساپی ینس نن ابرر بیت
اِتم.

اصل لاتین آوانگاری فارسی این است: et vir sapiens non abhorrebit eam. یعنی "و
خردمند از آن نپرهیزد" (بی نوشتها، ص 261)

به گمانم میشود به جای عبارت لاتین،



Boxer456 @Boxer456353040 · 30 mai

بر اساس بیت حافظ "شراب بی غش و ساقی خوش دو دام رهند / که زیرکان جهان از
کمندشان نرهند" اینگونه ترجمه کرد:

آخ، خداوندا به خدا نکوست جفت لنگه های یکی شلوار؛ دو دام رهند که زیرکان جهان از
کمندشان نرهند.



Boxer456 @Boxer456353040 · 4 juin

اینجا اطرافیان حاکم مفلوکی او را به هوس تسخیر جهان انداخته اند. اشکم درآمد از خنده،
منوچهر بدیعی بی جهت پس از ترجمه آثار جیمز جویس سراغ گارگانتوا نرفته، طنز جیمز
جویس شباهت قابل توجهی به طنز رابله دارد.

گارگانتوا، ترجمه محمود مسعودی

کوزه بشکست و هیچ نداشت تا نهار می خورد. چه خواهد پدید
کشور گشای های شکوهمند؟ سرانجام این همه کارها و کارزارها چه خواهد
بود؟
— این خواهد بود (گفت پیکرنگر [حشمگیر]) که از پس بازگشتن،
به دلخواه خویش بخواهم آرامیدن.
که اچلرن [دوراندیش] در پاسخ به آن گفت:
— "و اگر پیش آمد را هرگز بازنگردیدی چه؟ چون که سفر دراز و
پریم است. بهتر آن باشد که از هم اکنون بپاریم بی آن که خود را به این
هنگامها سپریم؟
— ای خدای من (گفت اسپاداسن [شمشیرکش])، این هم یکی پنداریست
دوآندش رویم و گوشه های همه سوز پنهان شویم پس، و آنجا زمان و زندگی
خویش با زمان گذرانیم به نفع کردن مروارید یا تابدن نفع، همچون
ساراداپالوس^{۱۱۱}. آن که او نه حفر کرد، نه اسب و نه آستر پیدا کرد، این
سلیمان^{۱۱۲} گفت.
— آن که او (گفت اچلرن [دوراندیش]) بس حفر کرد، هم اسب و هم
آستر^{۱۱۳} که کرد، با نفع گفت مالک^{۱۱۴} [اندو]^{۱۱۵}.

— بدان (گفتند) نیاز نباشد اکنون، پراستی مگر بس نیست گرفتاری
پیمودن^{۱۱۶} دریای هرکلی^{۱۱۷} و تاخت و تاز بر دو ارمنستان^{۱۱۸} و سه عربستان^{۱۱۹}؟
— راستی را (گفتند) از پا درآمده ایم. آه مردم بی چاره.
— چي؟ (گفتند).
— چه بخواهیم نو شدن بدین زبانها؟^{۱۲۰}
— کارها (گفتند) همه از پیش به سامان کرده ایم. شما را به دریای



Boxer456 @Boxer456353040 · 4 juin

...

از جهت تنوع سبک کتاب "گارگانتوا" بگم که به جا راهبی یک تنه شروع میکنه به قلع و قمع مهاجمان، و سبک یادآور قسمت طنز درخشان کتاب "تام جونز" است که دختری در گورستان به نزاع با سایر اهالی برمیخیزد. چند صفحه بعد، حاکمی که به قلمروش حمله شده دارد فرمانروای مهاجمان را زنهار میدهد، و 🙌



Boxer456 @Boxer456353040 · 4 juin

...

اینجا سبک یادآور خطبه های نهج البلاغه میشود.



Boxer456

...

@Boxer456353040

با جماعتی روی به بسطام نهاد. خبر در شهر افتاد. همه اهل بسطام تا به دورجای به استقبال او شدند. بایزید را مراعات ایشان مشغول خواست کردن و از حق بازمیمانند. چون نزدیک او رسیدند شیخ قرصی از آستین بگرفت - رمضان بود - و به خوردن ایستاد. جمله آن بدیدند از وی برگشتند

تذکره الاولیا، ص 164

[Traduire le post](#)

فرانسوا رابله

گارگانتوا



ترجمه
محمود مسعودی

مقدمه
میرزا حسن



10:26 AM · 5 juin 2024 · 103 vues



Boxer456 @Boxer456353040 · 5 juin

...

و [مردم پاریس] چنان سمج گونه به دُم او رفتند که او ناچار شد تا بر برجهای کلیسای بانوی
ما برآساید. آنجا که بود، و آن چندان مردمان که بر گرد خود بدید، دل آسوده بگفت:
- گمان برم که این ناقلها میخواهند تا من آنان را شادیانه ی پیشواز و داشاب (=هدیه)
بگذارم. درست است. شرایشان دهم. 🙏



Boxer456 @Boxer456353040 · 5 juin

...

اما کنم به پا ریشه.
پس آنگاه خندان نره پوش زیبای خویش بگشود و نره ی خویش در هوا برافراخت و چندان
به نیرو بر آنان بشاشید که از ایشان دویست و شصت هزار و چهارصد و هژده تن غرقه
شدند، به جز زنان و کودکان خردسال.
تنی چند از آنان به پادبایی خویش ازین تندشاش جان به دربردند و آنگاه که 🙏



Boxer456 @Boxer456353040 · 5 juin

...

بر فراز تل دانشگاه بودند، عرق ریزان و سرفه کنان و تف اندازان، و از نفس افتاده،
آغازیدند کفر و ناسزا گفتن.

گارگانتوا، ص 239 و 240



Boxer456 @Boxer456353040 · 5 juin

...

ازین رو من برین باورم که تا بخت با ماست، دنبال کنیم. چرا که بخت نیک را مویها همه بر
پیشانی ست و چون بگذرد، دیگر نتوانید که بازش گردانید؛ کچل است از پس سر، و دیگر
می برنگردد هرگز.

گارگانتوا، رابله، ترجمه محمود مسعودی، ص 467



76



Boxer456 @Boxer456353040 · 5 juin

...

روزگارم اندر ایام فراق
نیست بیرون از دو حال ای دلشیتان:
شرب طولانی کند ساغر تهی
بر شود از دود آهی آسمان

بر اساس ضرب المثلی لاتین که در متن گارگانتوا آمده:
brevis oratio penetrat celos, longa potatio evacuat cyphos
(نیایش کوتاه آسمان پر میکند، نوشش بسیار لیوان تهی میکند؛ ص 508)



74





Boxer456 @Boxer456353040 · 6 juin

...

سه هفته پس از انتشار، خواندنش تمام شد. این کتاب ترجمه جلد دوم از مجموعه پنج جلدی "گارگانتوا و پانتاگروئل" است. امیدوارم مترجم بزرگ که مصداق "برده نشین" حافظ اند، سایر مجلدات کتاب و یا *Finnegans Wake* جیمز جویس را نیز برگردان کنند. ذوق ورزی و باریک بینی و گشاده دستی‌شان بر دوام.



Boxer456 @Boxer456353040 · 16 mai

باورم نمی شه! محمود مسعودی نویسنده رمان "سوره الغراب" حال رمان کلاسیک "گارگانتوا و پانتاگروئل" را ترجمه کرده اند و قابل دانلود است. دوستانی که هلاک بیژن الهی و هاشمی نژاد هستند، جناب مسعودی حی و حاضر! باز هم منوچهر بدیعی آنقدر طول داد که ترجمه دیگری آمد! خوراک قطار امروزم درآمد! x.com/MahmoodMassood...

